

قلم سبز

فاجعه استرالیا-۲۰

بمب زمانی در انتظار انفجار



محمد رویش

● در مناطق متأثر از آتش‌سوزی بسیاری از مردم خشمگین هستند. با توجه به شرایط کنونی حتی رأی‌دهندگان محافظه‌کار سیاست‌موریسون را شکست‌خورده می‌دانند. صدای آنها که تأثیر صنعت بر اقلیم را هنوز منکر می‌شوند، آهسته‌تر شده یا کمتر جدی گرفته می‌شود. نخست‌وزیر در یک نشست بحران اقلیمی که گروهی از مدیران ارشد سابق آتش‌نشانی در ماه دسامبر گذشته برپا کرده بودند، شرکت نکرد و ترجیح داد به مرخصی برود. او مدت کوتاهی پس از آن عکس‌هایی از خود و خانواده‌اش در سواحل هاوایی یا در حال شنا در سیدنی را در دنیای مجازی منتشر کرد.

در حالی که ده‌ها هزار نفر از آنها که در مرخصی تابستانی به سری‌برند ناچارند یا ماسک‌های گاز از دود غلیظ در مناطق متأثر قرار کنند و نیروهای آتش‌نشانی اجساد قربانیان را از خانه‌هایشان بیرون می‌آورند، موریسون تیم ملی کریکت را به یک بارنی تفریحی دعوت کرد. پس از آن ساکنان شهرک کوپارگو که در آتش‌سوزی از بین رفته بود و با کمبود آب و مواد خوراکی روبه‌روست، جین دیدار موریسون از آنجا حاضر نشدن دست‌او را بفشارند و برای خجالت‌دادن او شعار سر دادند.

از جهتی نیز پژوهشگران برجسته خشم خود را ابراز کرده‌اند، زیرا وزیر نیرو، انگِیس تیلور، در آخرین روز از سال ۲۰۱۹ یادداشتی در روزنامه منتشر کرده و در آن نوشته که استرالیایی‌ها باید به این افتخار کنند که سرزمین‌شان تاکنون همه هدف‌های اقلیمی را محقق کرده است. اما فرانک جاتزو، پژوهشگر اقلیمی از دانشگاه ملی استرالیا و از نگارندگان بسیاری از گزارش‌های اقلیمی IPCC در پاسخ به این یادداشت در توئیتر خود نوشت: «چنین نوشتاری در روزی که به دلیل آتش‌سوزی شرایط اضطراری ملی اعلام شده، نفس را می‌برد». او وزیر نیرو را متهم کرد که برای خوب جلوه‌دادن ترازنامه استرالیا، بهترین ارقام را به‌دلخواه انتخاب کرده. اما طبق آخرین گزارش اقلیمی Brown to Green که در بودجه تهیه آن آلمان نیز سهیم بوده، واقعیت آن است که استرالیا در رده‌بندی سیاست اقلیمی در جهان در مقام آخر قرار گرفته است. این کشور بزرگ‌ترین صادرکننده زغال‌سنگ در دنیاست و بالاترین سرانه تولید دی‌اکسیدکربن را دارد.

ویکتور استیفنسن، عقیده و باور خود را در زمینه چگونگی پایان‌دادن به آتش‌سوزی جنگل‌ها برای همیشه دارد. او ۳۰ سال است که از نقاط متروکه در شمال قاره تا پایین‌ترین نقطه در تاسمانی به مسافرت می‌پردازد. هدف او گسترش هرچه بیشتر آگاهی مردمان بومی استرالیاست که از هزاران سال پیش با آتش زندگی می‌کنند. استیفنسن مسئولان را به سال‌ها بی‌اعتنایی و مراقبت‌نکردن از زمینی که اکنون در حال سوختن است، متهم می‌کند. از این رو به گفته او گیاهان غیروبومی، جایگزین گیاهان بومی شده‌اند و جنگل‌ها را به یک توده وحشتناک به‌شدت قابل اشتعال تبدیل کرده‌اند. مردمان بومی استرالیا مرتبا قسمت پایین تاج چنین درختانی را می‌سوزانند تا طعمه برای آتش‌سوزی‌های بزرگ را از بین ببرند. مقامات مسئول در غرب استرالیا بنا بر گفته استیفنسن «این کار را به‌طور کافی انجام نداده‌اند و این یک بمب زمانی در انتظار انفجار بود».

خواننده عزیز ستون قلم سبز «شرق»!

همان‌طور که مشاهده می‌کنید استرالیا، قاره‌ای که بیش از چهاربرابر کشور پهناور ایران وسعت دارد، اینک بایکی از شدیدترین بحران‌های اقلیمی خوشب‌دست و پنجه نرم می‌کند در حالی که هنوز سیاستمداران این کشور حاضر به پذیرش کوتاهی‌های خویش در مهار خطرات تغییر اقلیم نیستند. بوم‌شناسان از دانشگاه سیدنی تخمین می‌زند که نزدیک به نیم‌میلیارد جانور در فاجعه‌بی‌سابقه آتش‌سوزی جنگل‌های استرالیا که در سراسر قاره بحران شدیدی به وجود آورده و هزاران نفر را ناچار به فرار از خانه‌هایشان کرده، از بین رفته‌اند و این رقم حتی ممکن است به یک میلیارد هم برسد. شرکت رسانه‌ای نیوزگروپ استرالیا روز چهارشنبه (۲۵ دسامبر ۲۰۱۹) گزارش داد که «با آشکارشدن رقم نیم‌میلیارد، نگرانی عمیقی درمورد محوشدن تمامی برخی از گونه‌های گیاهی و جانوری توسط آتش وجود دارد. به‌ویژه کوالاها از این آتش‌سوزی بسیار متأثر بوده‌اند، زیرا آنها توانایی سریع حرکت‌کردن و دورشدن از آتش به اندازه کافی را ندارند». گفتنی است که

مراجع استرالیا زیستگاه طیف وسیعی از جانوران از جمله انواع کانگوروها، کوالاها، سارنگ‌های استرالیایی (پوسوم)، وُمب‌ها و مورچه‌خورک‌هاست. مسئولان نگران این هستند که ۳۰ درصد از جمعیت کوالاها در ساحل شمال شرق کشور در آتش‌سوزی‌های اخیر از بین رفته باشند. این یک فاجعه بزرگ است که حتی می‌تواند منجر با انقراض چند ده گونه برای همیشه شود. آنچه می‌تواند برای ما در ایران و خاورمیانه مهم‌تر باشد، تأکید بر واقعیتی زهاردهنده است؛ اینکه آسیب‌پذیری ایران به مراتب بیشتر از استرالیاست؛ زیرا نه پول، نه قدرت فناوری و نه همراهی جامعه جهانی را مانند استرالیا با خود داریم. بنابراین، باید خودمان پیشگیرانه‌تر حرکت کرده و به نفع کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، جیدمان توسعه کوتاه، میان و دراز مدت کشور را تغییر دهیم.

قسمت اول این تحلیل دیروز در همین ستون منتشر شد.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

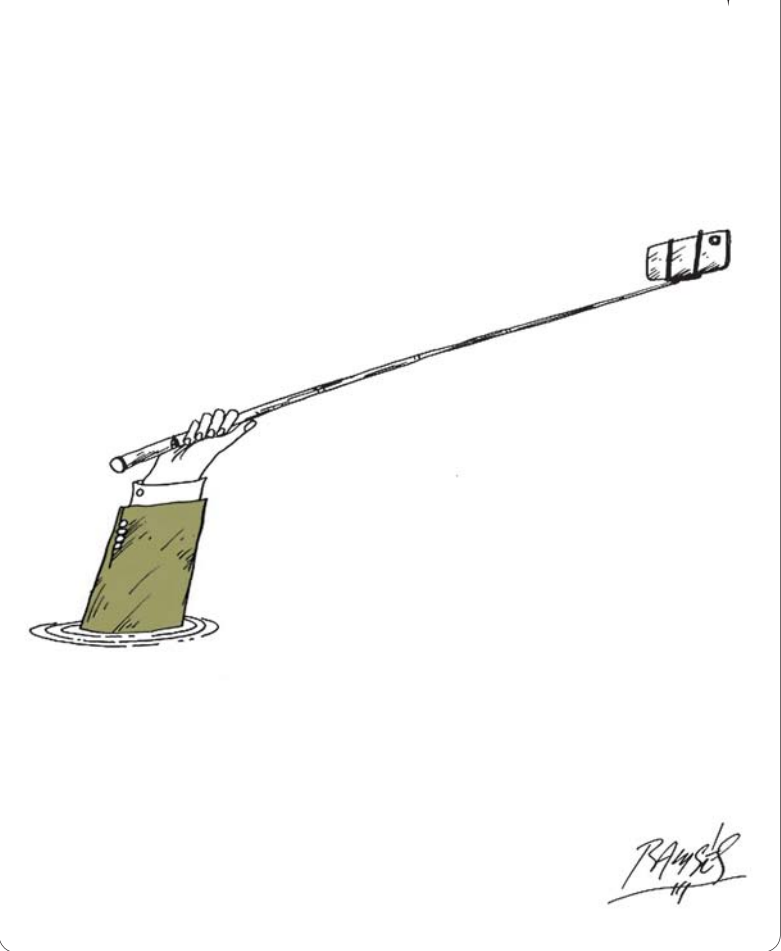
سه‌شنبه ۲۴ دی ۱۳۹۸ • ۱۸ جمادی‌الاول ۱۴۴۱ • ۱۴ ژانویه ۲۰۲۰ • سال هفدهم • شماره ۳۶۲۳ • ۱۶ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۲:۱۲ • اذان مغرب ۱۷:۳۲ • اذان صبح فردا ۵:۴۵ • طلوع آفتاب ۷:۱۴

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

رامس مورالس



تحلیل

نقطه عطف بی‌اعتمادی

رو به کاهش بوده است. اقدام غیرقانونی و تجاوزکارانه آمریکا در ترور سردار سلیمانی کشور را در معرض یک تهدید خارجی قرار داد و نگرانی از بروز جنگ، احساسات ملی را در دفاع از کشور برانگیخت و موجب شد مراسم تشییع این سردار شهید که از نظر بخش قابل توجهی از مردم، یک نظامی حرفه‌ای، جان‌برکف و صادق در دفاع از کشور و درستکار و بی‌حاشیه و معتدل در گرایش‌های سیاسی داخلی بود، به‌صورت باشکوهی در تهران و چند شهر ایران برگزار شود.

این شرایط می‌توانست برای مسئولان فرصت خوبی باشد تا با تغییر رویکردها، رویه‌ها و فرایندها و اصلاحات بنیادین و ساختاری در یک زمینه مبتنی‌بر همبستگی ملی، برای افزایش کارآمدی نظام مدیریتی کشور اقدام و سرمایه اجتماعی خود را بازسازی کند. اشتباه در مدیریت عملیات تلافی‌جویانه ترور سردار سلیمانی موجب سقوط فاجعه‌بار هواییمای مسافری و جان‌باختن همه مسافران آن شد.

اما فاجعه‌بارتر اینکه این ناکارآمدی، در نظام و شیوه اطلاع‌رسانی به اوج رسید. این یک نقطه عطف در سرمایه‌سوزی نظام حکمرانی کشور است. اگرچه مردم ایران با بازسازی کند، سرمایه‌سوزی این‌جان‌های عزیز و غزای عمومی فرو برده است. به خانواده‌ها و دوستان همه این جان‌باختگان و به همه مردم ایران عمیقا تسلیت عرض می‌کنم. ازدست‌رفتن این‌جان‌های عزیز یک اندوه عمیق ملی ایجاد کرده است، اما آنچه مردم را در بهت فرو برده است، پنهان‌کاری در برخورد با آنان در این رویدادهاست. در جریان اعتراضات و ناآرامی‌های آبان‌ماه تا امروز آثار رسمی‌جان‌باختگان از سوی منابع رسمی اعلام نشده است.

درباره حادثه کرمان توضیح و اطلاعات دقیق داده نشده و کسی مسئولیتی به عهده نگرفته است. در حادثه سهمگین سقوط هواپیما، جامعه و مسئول در اطلاع‌رسانی نسبت به علت سقوط هواپیما تأخیر نابخشودنی داشتند.

این نحوه اطلاع‌رسانی، بی‌اعتمادی زیادی ایجاد کرده است و سرمایه اجتماعی نظام مدیریتی و حکمرانی را با چالش بزرگی روبه‌رو کرده است.

سال‌هاست که شماری از صاحب‌نظران و کارشناسان رشته‌های علوم اجتماعی و مصلحان اجتماعی و سیاسی، براساس یک مسئولیت اجتماعی هشدار داده‌اند که رویکردها، رویه‌ها و فرایندهای نادرست در نظام حکمرانی کشور، موجب ناکارآمدی نهادهای حکمرانی و مدیریتی جامعه و افزایش چالش در روابط خارجی کشور شده است. همه اینها اعتماد مردم به نهادهای مدیریتی و سرمایه اجتماعی آن را به‌شدت کاهش داده است.

پژوهش‌های پیمایشی که در سال‌های اخیر در سطح ملی انجام شده است، نشان می‌دهد که اعتماد به نهادهای مختلف به‌صورت مستمر

صاف و ساده

حالا نوبت شماست!



قادر باستانی پژوهشگر

مردم نجیب ایران، در مراسم تشییع و بزرگداشت سردار بزرگ سپاه ایران، فراتر از انتظار سنگ‌تمام گذاشتند و باعث سربلندی و افتخار نظام جمهوری اسلامی شدند. بعد از وقایع تلخ آبان‌ماه و برخورد با معترضان تهدیدست و حاشیه‌نشین، شکاف مهمی حاصل شده بود و نظام نیاز داشت تا با تحقق چنین حضور پرشوری، بخشی از آن شکاف را ترمیم کند. حالا نوبت مسئولان است که در برابر این حرکت نجیبانه ملت، کاری کنند و مرهمی بر زخم مردم بنهند. خواهش مردم این سرزمین، حکمرانی خوب است. حکمرانی خوب، یعنی اتخاذ سیاست‌های آشکار و صریح در بوروکراسی شفاف و پاسخ‌گویی همه مسئولان در قبال فعالیت‌های خود و نیز امکان مشارکت فعال مردم در امور اجتماعی و سیاسی و البته برابری همه افراد در برابر قانون. شعزاردگی مسئولان، مانع عمده در تحقق حکمرانی خوب است. مردم در کنار امنیت، نان می‌خواهند. کار می‌خواهند، مسکن می‌خواهند. هر سیاست‌تندروانه‌ای که پیگیری می‌شود، فاصله مردم با خواسته‌هایشان را بیشتر می‌کند. امروز نوبت مسئولان است که به‌جای تندتکردن فضا، فرصت را برای ایجاد وفاق ملی مغتنم بدارند. هر کسی دل در گرو انقلاب داشته باشد و بتواند رای مردم را به دست آورد، عرصه خدمت برایش فراهم شود، نه‌اینکه صاحبان آرای مردم، مسلوب‌الاختیار باشند و دیگران فعال مایشاء شوند. معلوم نیست، باز چنین فضای همدلی‌ای در کشور ایجاد شود یا نه، بنابراین مسئولان قدر این فرصت طلایی را بدانند و آن را به مجالی برای تشدید اختلاف تبدیل نکنند که شاید دیگر چنین فرصتی حاصل نشود. مردم، مخصوصا افسشار تهیدست، فشار کمرشکنی را از تحریم‌های ظالمانه تحمل می‌کنند. طاقت مردم هم حدی دارد. اگر این تحمل مشکلات با مشاهده جنگ لفظی روزافزون مسئولان با همدیگر همراه باشد، برای مردم سخت‌تر و ناگوارتر است. نمی‌شود از ملت انتظار داشت که فعلا تحمل کند تا ببینیم چه پیش می‌آید. برنامه دولت برای برون‌رفت از این شرایط باید مشخص باشد و مردم پیشرفت در امور را ببینند. اصل اول حکمرانی خوب، مشارکت عمومی است. میزان مشارکت مردم در امور جامعه یکی از کلیدی‌ترین پایه‌های حکمرانی خوب به شمار می‌رود. مشارکت می‌تواند به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق نهادهای قانونی صورت گیرد. البته نمی‌توان انتظار داشت که در نظام تصمیم‌گیری یک کشور، تمامی نظرات موجود مدنظر قرار گیرد، بلکه مفهوم مشارکت، اشاره به آزادی بیان و تنوع دیدگاه‌ها و سازماندهی یک

روایت

بازتولید اعتماد

دکتر امیرحسین جلال‌دوشن، روان‌پزشک

آنگه مرجعیت خود را در تولید اطلاعات دقیق و ایستادن در جانب حقیقت به جهت خودسانسوری میلیون زخمی داشت. به نظر می‌رود تلخ خودولنتی بهترین توصیفی است که از زخمی‌شدن اعتماد جامعه در این حادثه دردناک حکایت می‌کند. از زمانی که رسانه ملی به جای کارایی ملی، فقط نام ملی را پدک کشیده و به جای آنکه صدای همه گروه‌های اجتماعی و سیاسی باشد، به بلندگوی کینه‌های از مردمان ایران و گروه‌های اجتماعی تبدیل شده است، از آن روزی که سیاست‌های تحدیدکننده مطبوعات و رسانه‌های مکتوب باعث خنثی‌شدن رسانه‌های داخلی و بروز نسلی از روزنامه‌نگاران خودسانسور شده و در یک کلام، از زمانی که با گرفتن رمق از رسانه‌های داخلی، میدان بازی برای رسانه‌های خارجی ایجاد کردیم باید به این روز فکر می‌کردیم که اعتماد از میان خواهد رفت. زمانی انحصار رسانه‌ای و میدان تقریبا بی‌رقیب رسانه دولتی صدا و سیما باعث می‌شد این بنگاه خبری تنها مرجع تحویل اطلاعات و تحلیل به گروه‌های بزرگی از مردم باشد و بتواند به افکار و باورهای آنها شکل دهد. اما امروز با تکرر رسانه‌ای و تسهیل فناوری‌های که در انتقال اطلاعات و اخبار رخ داده است، آن دوران به پایان رسیده و در میدان رقابت، شما زمانی می‌توانید تعیین‌کننده باشید که قدرت مدیریت رسانه‌ای و افکار عمومی را با دحکتر استانداردها دارا باشید. متأسفانه رسانه‌های داخلی نشان داده‌اند از حداقل‌های درک افکار عمومی و مختصات روان‌شناختی جامعه ناتوان هستند. به عنوان نمونه، به عملکرد نخست‌وزیر کانادا نگاه کنید که با وجود آنکه دولتش رابطه دیپلماتیک با ایران ندارد و اتفاقا در سال‌های گذشته همواره طراح قطع‌نامه‌های حقوق‌بشری علیه ایران بوده، این روزها زمانی که با پرسش‌های سیاسی روبه‌رو می‌شود، از پاسخ‌دادن کنار می‌گیرد و تأکید می‌کند این روزها فقط و فقط رسیدگی به وضعیت خانواده‌های قربانیان اهمیت دارد. به جای فرصت‌طلبی دیپلماتیک و ایجاد پروپاگاندا ی رسانه‌ای از آن، به منزل بازماندگان رفته، از آنها دلجویی می‌کند. متأسفانه رسانه‌ها نه تنها به دلیل

جامعه مدنی دارد. اصل بعدی، حاکمیت واقعی و نه شعاری قانون است. حکمرانی خوب نیازمند چارچوب عادلانه‌ای از قوانین است که دربرگیرنده حمایت کامل از حقوق افراد، به‌ویژه اقلیت‌ها در جامعه است و باید به صورت شایسته‌ای اجرا شود. اجرای عادلانه قوانین، مستلزم وجود نظام قضائی مستقل و یک بازاری اجرائی – پلیس – فسادناپذیر است. اصل دیگر، شفافیت است. شفافیت، به معنی جریان آزاد اطلاعات و قابلیت دسترسی سهل و آسان به آن برای همه است. همچنین شفافیت را می‌توان آگاهی افراد جامعه از چگونگی اتخاذ و اجرای تصمیمات نیز دانست. در چنین شرایطی، کارشناسان نقاد و دلسوز در رسانه‌های ارتباطی، به‌ویژه رسانه‌های بزرگ مثل رسانه ملی، به‌راحتی قادر به تجزیه‌وتحلیل و نقد سیاست‌های اتخاذشده در نظام تصمیم‌گیری و اجرائی کشور خواهند بود. اصل چهارم، پاسخ‌گویی است. پاسخ‌گویی همه مسئولان برابر اختیارآتشان در چارچوب قانونی و زمانی مشخص در برابر مردم، از جمله عواملی است که به استوارشدن پایه‌های حکمرانی خوب منجر می‌شود. اصل پنجم، شکل‌گیری وفاق عمومی؛ یعنی فراهم‌کردن زمینه ظهور نظرات متفاوت در عرصه‌های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است. حکمران خوب، باید نظرات مختلف را در قالب وفاق ملی عمومی به سمتی رهنمون کند که بیشترین هم‌گرایی را با اهداف کل جامعه داشته باشد. ایفای این نقش حیاتی، نیاز به شناخت دقیق نیازهای بلندمدت جامعه در مسیر حرکت به سمت توسعه پایدار دارد. اصل ششم، حقوق مساوی یا عدالت است. رفاه و آرامش پایدار در جامعه، با به‌رسمیت‌شناختن حقوق مساوی برای تمامی افراد ممکن خواهد بود. در جامعه باید این اطمینان وجود داشته باشد که افراد، به تناسب فعالیت خود در منافع جامعه سهیم خواهند بود. به عبارت دیگر در حکمرانی خوب، همه افراد باید از فرصت‌های برابر برخوردار باشند. اصل بعدی، اثربخشی و کارایی است. از حکمرانی خوب به‌عنوان ابزاری برای تنظیم فعالیت نهادهای در راستای استفاده کارا از منابع طبیعی و حفاظت از محیط زیست نیز یاد می‌شود. اصل آخر، یعنی مسئولیت‌پذیری را می‌توان کلیدی‌ترین مؤلفه حکمرانی خوب به‌شمار آورد. در کنار نهادهای حکومتی، سازمان‌های خصوصی و نهادهای مدنی نیز باید در قبال سیاست‌ها و اقدامات خود پاسخ‌گو باشند. اصول حکمرانی خوب به صورت زنجیره‌ای متصل به هم بوده و اجرائی‌شدن هرکدام از آنها، مستلزم اجرای سایر اصول است. البته نمی‌توان انتظار داشت که مسئولیت‌پذیری و پاسخ‌گویی، بدون وجود شفافیت و حاکمیت قانون، جنبه اجرائی چندان در جامعه داشته باشد. امید است، این‌بار مسئولان شانه خالی نکنند و به خواست مردم گردن نهند.

روایت

بازتولید اعتماد



● انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران درباره اتفاق تاسف‌بار سقوط هواپیمای مسافربری و سیاست خبری رسانه‌های کشور بیانیه‌ای هشدارآمیز به شرح زیر منتشر کرده است:

اتفاق تاسف‌بار روزهای اخیر و سقوط هواپیمای مسافربری متعلق به اوکراین و کشته‌شدن تعداد زیادی از شهروندان ایرانی و غیرایرانی به‌ویژه جمعی از نخبگان کشور، موضوعی نبود که از چشم هیچ‌کس پنهان بماند، ولی رویدادهای سه روز بعد از آن نشان داد که جامعه ایران فاقد سامانه پدافندی رسانه‌ای است. آنچه در شرایط کنونی می‌تواند این جامعه را با خطر مواجه کند، فقط حملات نظامی یا موشکی نیست، بلکه بیش از هر چیز فقدان رسانه آزاد است؛ رسانه‌ای که بتواند مطالبات مردمی را پاسخ دهد و بر حکومت و کارگزارانش نظارت مدنی و مؤثر داشته باشد.

پنهان‌کاری و انتشار مطالب دروغ، ضربه سنگینی به اعتماد مردم و افکار عمومی زد و جایگاه لرزان رسانه‌ها را لرزان‌تر کرد. وضعیت این آش آن‌چنان شور شده که صدای سرآشپز هم درآمده است و دست‌اندرکاران صداوسیما نیز ادعان می‌کنند که با وضعیت کنونی اعتبار آنان زیر سؤال رفته است؛ غافل از اینکه اعتبار این رسانه و بسیاری از رسانه‌های داخلی، خیلی پیش از این از میان رفته بود با این تفاوت که سایر رسانه‌ها معترض این وضع بودن، ولی صداوسیما مدافع آن بود. این واقعه نشان داد که مردم نمی‌توانند به داده‌های رسمی اعتماد کنند و روزنامه‌نگاران باید با کوشش خود این خلا را تا حد ممکن پر کنند.

به باور انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران، ریشه این بحران را باید در نگاه مسئولان به کارکرد و نقش رسانه و نیز نگرش مدیران رانتی رسانه‌های غیرمستقل و وابسته جست‌وجو کرد. آنجا که یک مقام نظامی برای پذیرش مسئولیت و رفع اتهام از رسانه‌ها اعلام می‌کند که «رسانه‌ها هیچ تقصیری ندارند، چون آنها تا دیروز بر اساس دانسته‌های خودشان عمل می‌کردند و از واقعیت خبر نداشتند» و در همین راستا خبرنگار صداوسیما نیز می‌گوید که «پنهان‌کاری مسئولان باعث شد تا اعتبار رسانه‌ای خودمان از بین برود». این دو ارزیابی معرف وجود این دیدگاه مشترک است که رسانه یعنی بوق، رسانه یعنی روابط‌عمومی، رسانه یعنی آنچه مسئولان ابلاغ کنند و رسانه منعکس کند درحالی‌که پنهان‌کاری دست‌اندرکاران رفع مسئولیت از رسانه نمی‌کند، وظیفه رسانه کشف حقیقت و بیان آن است و نه انتظار برای اعلام آن از سوی مسئولان و این مستلزم تأمین امنیت حرفه‌ای و شغلی روزنامه‌نگاران است.

صبح روز شنبه فاجعه رسانه‌ای ایران به‌وضوح قابل مشاهده بود؛ درحالی‌که مردم تیتريهای شرم‌آور برخی از رسانه‌ها مبنی‌بر توطئه‌آمیزبودن اتهام سقوط با موشک را روی ده‌کها مشاهده می‌کردند، هم‌زمان از طریق دیگر در حال خواندن اطلاعیه‌های ستاد مشترک نیروهای مسلح و نیز ریاست‌جمهوری درخصوص اصابت موشک به هواپیما بودند. اکنون که در حال تشییع اعتماد عمومی هستیم اولین تابوت‌های آن شامل جنازه‌های رسانه‌های رسمی به‌ویژه صداوسیما و سپس مطبوعات و سایت‌هایست. فرایند انتقال مرجعیت رسانه‌ای به فراسوی مرزها و نیز شبکه‌های غیررسمی و غیرحرفه‌ای تکمیل شده است. اکنون مایم و این جنازه روی دست مردمی که باید با اتکا و اعتماد به آن در فرایندهای جامعه خود مشارکت می‌گردند.

انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران تاکنون و در چند نوبت نسبت به این وضعیت اعلام خطر کرده است، ولی ظاهرا هیچ گوش شنوایی وجود ندارد و ازاین‌رو این‌بار خطاب سخن خود را متوجه همکاران می‌کنیم و خواهان اقدام مشترک آنان برای بهبود فضای رسانه‌ای کشور می‌شویم.

از تمامی همکاران می‌خواهیم که از این پس بدون ملاحظات مرسوم که تماما نیز غیرقانونی است در تهیه خبر، گزارش و تحلیل اقدام کنند و پرسشگری را به مرکز فعالیت رسانه‌ای خود بازگردانند. امیدواریم که مدیران محترم مسئول مطبوعات و سایت‌ها و نیز با همراهی و بدون ملاحظه‌های غیرقانونی امکان انتشار مطالب را فراهم کنند و تنها معیار آنان برای جلوگیری از انتشار مطالب چارچوب‌های قانونی و نه فشارهای این و آن باشد. اطمینان داریم که همکاران محترم در هر صورت می‌توانند تولیدات خود را منتشر نمایند و به اطلاع مردم برسانند.